

گفت‌وگوی صبا با عوامل نمایش «ماهرخ»

بزرگان علم و ادب

بر صحنه نمایش ایرانی



مریم عظیمی

گفت‌وگو

نمایش «ماهرخ» به نویسندگی و کارگردانی ابوالفضل حاجی علی خانی و تهیه‌کنندگی محمود مداحی در تالار حافظ بروی صحنه است و بازیگران نام‌آشنایی مثل حسین رفیعی، محسن زرآبادی پور، بهناز نادری، بهزاد عبدی و... در آن به نقش آفرینی می‌پردازند. و ما عزیزاله مشعوف از تئاترهای نسل قدیم را می‌بینیم که در پی ماجرای سکتی می‌کند و به کما می‌رود و در عالم کما عشق قدیمی‌اش ماهرخ را می‌بیند، و همان جا در پی اتفاقاتی با بوعلی سینا، نظامی گنجوی، عطار نیشابوری و... دیدار می‌کند و در آن عالم تصمیم می‌گیرد تا نمایشی را به روی صحنه ببرد. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.



حسین رفیعی، بازیگر:

تئاتر غنای فرهنگی یک کشور است

هستند که در آثار بداهه موفق‌تر بودند و به صورت خلق الساعه می‌توانند اتفاقات را به طنز تبدیل کنند یعنی آنچه این روزها هستند آپ‌کمدی هم نامیده می‌شود. یعنی اینکه کسی بتواند یک اتفاق را به صورت طنز تعریف کند و اساساً تعریف کردن لطیفه و اینکه شما بتوانید یک لطیفه را باورپذیر، جذاب و کمیک تعریف کنید خودش یک حرفه است.

آقای علی خانی «ماهرخ» را بسیار زیبا نوشته‌اند و مشخص است که ایشان به متنی که نوشته‌اند بسیار مسلط هستند منتها شرایط به گونه‌ای پیش رفت که ما هم به عنوان بازیگران دست به بداهه پردازی زدیم و همه آنچه می‌بینید مربوط به متن آقای علی خانی نیست بلکه مزه‌هایی است که بر اساس خلاقیت و طنز بازی بازیگران شکل گرفته است. من و دوستان دیگر تمام تلاش مان را می‌کنیم که مخاطب مان لذت ببرد ولی به عقیده من «ماهرخ» یک متن بسیار قابل احترام است نه به این علت که خودم در این نمایش بازی می‌کنم بلکه به این علت که نمایش «ماهرخ» در کنار طنز، شوخی و مطایبه مطلب و مفهوم نیز دارد و مشخص است که پشت آن مطالعه و سواد وجود دارد، چیزی که بیننده را در عین حال که می‌خنداند به فکر فرو می‌برد و خود اینکه بتوانید عالم برزخ را باور پذیر کنید طوری که ترسناک و خوف‌انگیز هم نباشد. شاید همه آدم‌ها از زندگی پس از مرگ خوف داشته باشند اما ما نگاه طنزانه به این مسئله داشتیم و سعی کردیم از این طریق در کنار متنی که آقای حاج علی خانی نوشته‌اند لحظاتی شیرین خلق کنیم. من تا حدود زیادی تلاش کردم به متن وفادار باشم و ترجیح این است که بر اساس متن پیش بروم و از شوخی‌هایی استفاده نکنم که برای گروه‌های سنی خردسال مناسب نباشد.

سخن پایانی

من به کشورهای زیادی سفر کردم و دریافتم که در اروپا و دیگر نقاط دنیا حتی اگر آدم‌ها پول غذا خوردن نداشته باشند ترجیح می‌دهند کمتر خرج کنند تا بتوانند در طول ماه دست کم یک تئاتر ببینند و فکر می‌کنند وقتی تئاتر ببینند یعنی فقیر شده‌اند. همانگونه که در صحبت‌های عزیزالله نمایش ما و نوشته‌های آقای حاجی علی خانی هست، تئاتر غنای فرهنگی یک کشور است. تئاتر نگاه گسترده به موضوع و کاراکترها دارد، شما یک مجموعه را می‌بینید و این نگاه کلی، این که دیوار چهارم برداشته می‌شود و می‌توانید به درون یک چیز نگاه کنید جذابیت‌های خاص خودش را دارد. آرزوی قلبی من این است که خانواده‌ها خصوصاً برای جوان‌ها و نوجوان‌های شان جا بیندازند که ماهی حداقل یک بار تئاتر ببینند ولو تئاتر بد چرا که فکر می‌کنم تئاتر باعث می‌شود احساس بهتری به زندگی و جامعه داشته باشند و به لحاظ فرهنگی خیلی به جامعه کمک می‌کند. در نهایت امیدوارم علاقه‌مندان به تئاتر بیایند و کار ما را ببینند و حتی اگر کار ما را هم ندیدند به سالن‌های دیگر بروند، تئاتر ببینند و لذت ببرند.

آیا پس از خوانش نمایشنامه بیشتر به نقش ابوعلی سینا راغب بودید یا اساساً همین نقش به شما پیشنهاد شد؟

به هر حال زمانی که یک کارگردان نمایشنامه‌ای را می‌نویسد بر اساس آن کاراکترها بازیگران را انتخاب می‌کند و به من هم از روز اول گفتند که مرا برای نقش ابوعلی سینا در نظر گرفته‌اند. از آنجایی که این نقش بازی در بازی و لایه‌های طنز داشت برایم دوست داشتنتی بود و نقش را پذیرفتم اما یک سری تغییرات و حذف و اضافه‌هایی در طول کار داشت که حاصلش چیزی است که مخاطبان روی صحنه می‌بینند.

شما سازنده بخشی از کودکی و نوجوانی بسیاری از مخاطبین امروز نمایش ماهرخ هستید و رگه‌هایی از آن نقش نوستالژیک را در نقش پردازی ابوعلی سینا هم می‌بینیم

البته نه از بهر کینه بلکه اقتضای طبیعت من این است. من دیپلم و لیسانس نقاشی دارم و گرایش آموزش هنر برای کودکان است و سال‌ها برای کودکان کار کردم. حتی در کار جدی به من سپرده می‌شود ترجیح این است که در کلماتی که به کار می‌برم فضای کودکانه را نیز لحاظ کنم و خودم در لایه‌های نقش‌هایی که می‌پذیرم آن حالت کودکانه را دارم و نمی‌گذارم آن کودک درون از بین برود حال اینکه تا چه اندازه در این کار موفق هستم یا نه به نظر مخاطب برمی‌گردد. شخصاً کار بزرگسال یا دیالوگ‌های این دست از آثار خیلی استقبال نمی‌کنم و می‌جنگم و مبارزه می‌کنم تا چیزی را بگویم که بر اساس باورها و آموزه‌هایم باشد.

در بازیگری نمایش‌های ایرانی بداهه پردازی و تعامل با بازیگران با یکدیگر و مخاطب حائز اهمیت است و این مولفه‌ها در نمایش ماهرخ هم دیده می‌شود.

ما سال‌ها پیش تعزیه، تئاتر رو حوضی و تئاتر آیینی داشتیم تا زمانی که تئاتر کلاسیک به شکل یک تئاتر دیالوگ محور آمد و مطرح شد. اما در این سال‌ها نه فقط تئاتر بلکه سینما و تلویزیون هم به دلیل گیشه و مسائل اقتصادی به سمت کارهای آزاد و سلیقه مردم نیز این روزها بیشتر به سمت آثار موزیکال آیینی رفته است که آن لایه‌های تئاتر آزاد و بداهه‌گویی را نیز در خود دارد. البته من نه این سبک کاری را رانفی می‌کنم و نه تایید و فکر می‌کنم که تئاتر آزاد هم ریشه در فرهنگ ما دارد، حتی تئاتر آزاد و رو حوضی سبکه بیشتری برای مردم ما به لحاظ روانشناسی و ریشه‌ای دارند. در نمایش‌های آیینی هم این بده‌بستان‌ها وجود دارد، من سال‌ها در حوزه تلویزیون و کارهای آیتم کار کردم و ۹۹٪ کارهای آیتم بر اساس بداهه، خلاقیت و تیپ‌سازی آدم‌ها پیش می‌رود. امروز وقتی به برنامه «جوکر» نگاه می‌کنید می‌بینید از میان تمام رفقای قدیمی من که در کارهای آیتم همکاری می‌کردیم آنهایی موفق‌تر

